## **فهرست:**

[خطبه اول 3](#_Toc453837983)

[**توصیه به تقوا** 3](#_Toc453837984)

[**عمر،** **سرمایه‌ی حیات انسان** 3](#_Toc453837985)

[باور مرگ در انسان 3](#_Toc453837986)

[وجوه مختلف در تفسیر آیه‏ی شریفه 54 از سوره‏ی مبارکه نور 4](#_Toc453837987)

[وجه اول 4](#_Toc453837988)

[وجه دوم 4](#_Toc453837989)

[مقصود آیه 5](#_Toc453837990)

[نتیجه 5](#_Toc453837991)

[ویژگی‏های جوانی 5](#_Toc453837992)

[روایات در باب جوانی 6](#_Toc453837993)

[روایت اول: جوان خوش اخلاق 6](#_Toc453837994)

[روایت دوم: جوان توبه‌کننده 6](#_Toc453837995)

[روایت سوم: جوان توبه‌کننده و پیر گنه‌کار 6](#_Toc453837996)

[روایت چهارم: مباهات خداوند به جوان عابد 6](#_Toc453837997)

[روایت پنجم: جوان زاهد 7](#_Toc453837998)

[روایت ششم: فضیلت جوان عابد 7](#_Toc453837999)

[روایت هفتم: فضیلت جوان عابد بر ریش‌سفیدان اسلام 7](#_Toc453838000)

[روایت هشتم: هفت طایفه زیر سایه‏ی عرش الهی 7](#_Toc453838001)

[روایت نهم: ثواب 72 صدیق برای جوان عابد 8](#_Toc453838002)

[مقام جوان عابد و مؤمن 8](#_Toc453838003)

[خوش‏گذرانی در جوانی و توبه در پیری 9](#_Toc453838004)

[مخاطب روایات 9](#_Toc453838005)

[سوره‏ی پایانی خطبه‏ی اول 9](#_Toc453838006)

[خطبه دوم 10](#_Toc453838007)

[**توصیه به تقوا** 10](#_Toc453838008)

[**ماه محرم** 10](#_Toc453838009)

[حفظ اسلام و تشیّع با عاشورا 11](#_Toc453838010)

[آسیب‌شناسی عزاداری 11](#_Toc453838011)

[مسئولیت سنگین جوانان و متولیان عزاداری 11](#_Toc453838012)

[مذاکره برای حلّ مشکلات هیئت و مسجد 12](#_Toc453838013)

[دعای پایانی 13](#_Toc453838014)

[سوره‏ی پایان خطبه‏ی دوم 13](#_Toc453838015)

# خطبه اول

اعوذبالله بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»**[[2]](#footnote-2) **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

## **توصیه به تقوا**

همه‏ی شما برادران و خواهران گرامی و خودم را به پارسائی، اجتناب از گناه، تهذیب نفس، شُکر و ذِکر خداوند در همه‏ی حالات سفارش و دعوت می‌کنم؛ امیدواریم خداوند به برکت اولیاء و مقرّبانِ درگاهِ خودش، به همه‏ی ما توفیقِ بندگیِ خالصانه، پارسایی در این دنیا و احتراز از گناه، عنایت بفرماید.

## **عمر،** **سرمایه‌ی حیات انسان**

عمر، بزرگ‌ترین سرمایه‌ی حیات انسان در دوره‌ی نشاط، کار و تلاش در جوانی و نوجوانی است؛ لذا بهترین مقطع برای کمال، رشد و اعتلای شخصیت است که اگر از آن بهره برند، بهترین قدم را برای سعادت برداشته‌اند و اگر این بهترین اوقات را با بطالت، بیکاری و بدون هدف درست سپری نمایند، با پشیمانی‌های بزرگی مواجه خواهند شد که سودی هم نخواهد داشت؛ اگرچه باب توبه و بازگشت تا لحظه‌ی احتضار فراهم است.

#### باور مرگ در انسان

گاهی اشخاص، قصد و نیتِ نوشتنِ وصیت‌نامه را دارند، ولی به علل و موانعی موفق نمی‌شوند و چند روز بعد هم از دنیا می‏روند؛ اصولاً مرگ، دیرباور می‌شود و می‌گویند خیلی باید فشارهای روحی و روانی زیاد باشد که انسان مرگ خود را باور نماید و بپذیرد. در سخت‌ترین مریضی‌ها هم انسان روزنه‌ی امیدی دارد که بگوید من زنده‌ام و زنده خواهم ماند؛ این جنبه‌ی روانی زندگی و تدبیر خدای متعال برای چرخش زندگی انسان و عالم ماده بر مبنای طبیعی خود است.

حضرت می‌فرماید:

«آنچه را که من از عالم بعد از مرگ و عذاب الهی می‌دانم اگر انسان‌های عادی می‌دانستند همه زندگی خود را رها می‌نمودند و در قبرستان‌ها زندگی می‌نمودند.»[[3]](#footnote-3)

اگر حجاب‌ها کنار رود، در عالم خبرهایی است که اگر آدم‌های معمولی بدانند، کلاً زندگی را رها خواهند نمود؛ لذا مصلحت الهی بر این است که پرده‌ها از جلوی چشم همه کنار نرود و همه، حقایقِ عالَم را نبینند.

#### وجوه مختلف در تفسیر آیه‏ی شریفه 54 از سوره‏ی مبارکه نور

در آیه‏ی شریفه‏ی «ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً»[[4]](#footnote-4)؛ «آنگاه بعد از ناتوانی نیرو داد، سپس بعد از نیرومندی، ناتوانی و پیری پدید آورد.» وجوه مختلفی بیان شده است که در زیر بدان‌ها اشاره می‌شود.

##### وجه اول

چند احتمال در این آیه وجود دارد؛ بنابر یک احتمال، در این آیه، زندگی انسان، به سه دوره تقسیم شده است:

1. دوره‌ی ضعف اولیه؛ که در کودکی است.
2. دوره‌ی قوت و کمال؛ از نوجوانی تا چهل‌سالگی حدوداً دوره‌ی نشاط و شادابی انسان است.
3. ضعف مجدد؛ دوره‌ی پیری و سالخوردگی است.

##### وجه دوم

برخی دیگر از مفسرین، قائل‏اند، این آیه زندگی انسان را به پنج دوره تقسیم نموده است؛ بدین‌صورت که

1. ضعف اول، دوره‌ی جنینی است و با ضعف متفاوت است؛
2. ضعف دوم، دوره‌ی کودکی است؛
3. یک قوت هم دوره‌ی بلوغ است؛
4. قوت دیگر، دوره‌ی جوانی و کمال است؛ قوت هم دو بار آمده است که به جهت نکته‌ی ادبی موجود در آیه، یکی نیستند و متفاوت هستند.
5. دوره‏ی آخر هم بعد از این چهار دوره است.

##### مقصود آیه

درهرصورت آیه می‏فرماید: گذر انسان از منازلی است که ابتدا و آخرش، ضعف است و در میان این دو ضعف، قوتی خواهد بود؛ بنابراین اجمال آیه روشن است، زیرا انسان از نظر جسمی و روحی تا قبل از بلوغ، یک موجود وابسته و متعلق به خانواده است و در دوره‌ی پیری هم دوره‌ی فتور و نیازمندی به دیگران است.

مقطع میانه که از اوایل بلوغ شروع می‌شود و تا چهل‌سالگی به اوج می‌رسد، انسان در اوج قوت جسمی و روحی است؛ زیرا روان‏شناسان می‌گویند:

«کودک تا زمانی که در خانه است به پدر و مادر پیوسته و وابسته است و از آنها الهام می‌گیرد و در سنین پیری هم همین‌طور است و شکل و شخصیت او نهایی شده است و همه‌چیز برای او مشخص است.»

انسان در مقطع جوانی روحیه، نشاط و آرمان‌خواهی دارد و دنبال جاه و مقام نیست و خیلی از قیود روابط اجتماعی، خانه و زندگی را ندارد؛ این نکته خیلی اساسی است که هم در روایات آمده است و هم باتجربه و علم روان‌شناسی اثبات شده است.

#### نتیجه

آیه‌ی شریفه می‌فرماید: از این قُوَّتِ بین دو ضعف بهره برید و طوری برنامه‌ریزی نمایید که فرزندانتان هم بهره برند؛ سنین بین بلوغ تا چهل‌سالگی را قدر بدانید و هرچه به بلوغ نزدیک‏تر باشد، بهتر است؛ زیرا هرچه می‌گذرد، انسان از نظر روحی، به‌سوی وابستگی و از نظر جسمی، رو به تحلیل می‌رود.

اگر انسان در سنین جوانی، خودسازی نداشته باشد و پایه و اساسِ آزادفکری، آزاداندیشی و آزادی از تمتعات دنیوی را نگذارد، هرچه جلوتر رود، بیشتر اسیر دنیا، جاه و مقام می‌شود؛ لذا جوانی، سنِّ آرمان‌خواهی، استقلال‌طلبی و توجه به مسائل اجتماعی است.

#### ویژگی‏های جوانی

نشاط، حال، حوصله، آرمان‌خواهی، وابستگی کمتر به دنیا و توان جسمانی، نعمات الهی است که در سنین جوانی در اوج خود است؛ بدین‌جهت جوانی، فصل بسیار مهمی از عمر انسان است که اگر در خدمتِ شهواتِ پَستِ حیوانی قرار گیرد، مقطع سقوط انسان خواهد بود و بالعکس.

#### روایات در باب جوانی

جوانی سن کمال است و ارزشش هم بدین خاطر است؛ روایات در باب جوانی و معنای جوانی بسیار گسترده‌اند گاهی تعریف از جوانی، گاهی مذمت و گاهی جمع بین این دو در روایات آمده است. برخی روایات جوانی را بزرگ‌ترین و ارزشمند‌ترین سرمایه‌ی انسان دانسته است.

##### روایت اول: جوان خوش اخلاق

در حدیث شریفی حضرت فرمودند:

«جوان خوش‌خلق کلید همه خوبی‌هاست و جوان بداخلاق کلید همه‌ی بدی‌هاست.»[[5]](#footnote-5)

در احادیث متعددی به خاطر ارزش این مقطعِ عمرِ انسان، عجیب از جوانی که بندگی خدا را نماید و در جوانی دارای شخصیت الهی باشد، تجلیل شده است؛ به‌عنوان نمونه چند حدیث را عرض می‌نمایم که مبنای زندگی ما و خانواده‌های ما باید بر این اساس باشد؛ زیرا در غیر این صورت نتایج بد اجتماعی دارد و هرروز هم بدتر می‌شود.

##### روایت دوم: جوان توبه‌کننده

پیامبر اکرم فرمودند: «خداوند جوان توبه‌کننده را دوست دارد.»[[6]](#footnote-6)

کسی که در جوانی و اوج قُوَّتِ روحی و جسمانی و شادابی و نشاط زندگی، به کمال عقل رسید، راه معنویت و بندگی خدا را شناخت، دست از گناه برداشت و خود را با توبه نورانی نمود، خدا او را دوست دارد.

##### روایت سوم: جوان توبه‌کننده و پیر گنه‌کار

در حدیث دیگری می‏فرمایند: «کسی در نزد خدا محبوب‌تر از جوان توبه‌کننده نیست و کسی نزد خدا منفورتر از انسان مسنی که دست به معصیت خدا می‌زند نیست.»[[7]](#footnote-7)

زیرا در پیری و بعد از نوعی پختگی و فروکشِ آتشِ شهواتِ مادّی و دنیایی، باز هم به گناه نزدیک شدن، خیلی نزد خدا مبغوض است و بهترین کسان نزد خدا جوانان توبه‌کننده هستند.

##### روایت چهارم: مباهات خداوند به جوان عابد

«ان الله یباهی بالشاب العابد، الملائکة»[[8]](#footnote-8)، «خدا در برابر ملائکه به جوان اهل عبادت و بندگی مباهات می‌نماید.»

##### روایت پنجم: جوان زاهد

«انظروا الی عبدی ترک شهوته من اجلی»[[9]](#footnote-9)، «ببینید! به خاطر من در جوانی و اوجِ نشاطِ روحی و جسمی از شهوات و مادّیات، چشم پوشید.»

##### روایت ششم: فضیلت جوان عابد

«فضل الشاب العابد الذی تعبّد فی الصباح علی الشیخ الذی تعبّد بعد ما کبرت سنه، کفضل المرسلین علی سائر الناس»[[10]](#footnote-10)، «اگر بخواهید جوانی را که در بهترین مقطع سن و توان، بندگی خدا را سرمشق قرار داد با دیگرانی که در سنین بالاتر به عبادت خدا پرداختند مقایسه نمایید این جوان مثل یک پیامبر در قیاس با مردم عادی است.»

البته عبادت با معنای جامع و کامل، منظور است نه فقط یک نماز یا روزه.

##### روایت هفتم: فضیلت جوان عابد بر ریش‌سفیدان اسلام

در روایات آمده است که

«کسانی که ریش خود را در اسلام سفید نموده‌اند، برای اینها ارزش قائل شوید.»

ولی مقام و مرتبه‌ی الهی فرق دارد و گفته‌شده:

«اگر شخصی در جوانی اهل گناه و معصیت نیست، ارزش او از فردی که در کهن‌سالی به عبادت روی آورده است، خیلی بالاتر است.»

##### روایت هشتم: هفت طایفه زیر سایه‏ی عرش الهی

پیامبر اسلام فرموده‏اند:

«سَبْعَةٌ فِي ظِلِّ عَرْشِ اَللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ لاَ ظِلَّ إِلاَّ ظِلُّهُ إِمَامٌ عَادِلٌ وَ شَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اَللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَجُلٌ تَصَدَّقَ بِيَمِينِهِ فَأَخْفَاهُ عَنْ شِمَالِهِ وَ رَجُلٌ ذَكَرَ اَللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَالِياً فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ مِنْ خَشْيَةِ اَللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَجُلٌ لَقِيَ أَخَاهُ اَلْمُؤْمِنَ فَقَالَ إِنِّي لَأُحِبُّكَ فِي اَللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَجُلٌ خَرَجَ مِنَ اَلْمَسْجِدِ وَ فِي نِيَّتِهِ أَنْ يَرْجِعَ إِلَيْهِ وَ رَجُلٌ دَعَتْهُ اِمْرَأَةٌ ذَاتُ جَمَالٍ إِلَى نَفْسِهَا فَقَالَإِنِّي أَخافُ اَللّهَ رَبَّ اَلْعالَمِين»[[11]](#footnote-11)، «هفت طایفه در روز قیامت که هیچ سایبانی برای کسی نیست، در زیر عرش الهی آرام می‌گیرند:

1. امام عادل (حاکم و زمامداری که حکومت او را از مرز عدالت بیرون نبرد؛ زیرا قدرت عدالت انسان را از بین می‌برد و اگر کسی در اوج قدرت عادل بود در روز قیامت در زیر سایه‌ی عرش الهی خواهد بود)؛
2. جوانی که در عبادت الهی رشد نموده است؛

تا پایان روایت.»

منظور، جوانی که اتفاقی نمازی خوانده یا روزه‌ای گرفته است، نیست؛ بلکه جوانی است که شخصیت او در عبادت و بندگی رشد یافته است؛ این‌گونه جوانی در روز قیامت در سایه‌ی عرش الهی خواهد بود.

##### روایت نهم: ثواب 72 صدیق برای جوان عابد

باز هم پیامبر اکرم در این باب فرموده‏اند:

«ما مِن شابٍّ يَدَعُ لِلّهِ الدُّنيا ولَهوَها وأهرَمَ شَبابَهُ في طاعَةِ اللّهِ إلاَّ أعطاهُ اللّهُ أجرَ اثنَينِ وسَبعينَ صِدّيقا»[[12]](#footnote-12)؛ «نمی‌شود جوانی دنیا را به خاطر خدا رها نماید و جوانی را در طاعت الهی به پیری متصل نماید، مگر اینکه خداوند اجر 72 صدیق را به او می‌دهد.»

#### مقام جوان عابد و مؤمن

این‌قدر مقام جوان عابد بالاست که

1. خداوند به این جوان مباهات می‌نماید؛
2. محبوب‌ترین شخص نزد خدا است؛
3. فضیلت او مثل یک پیامبر به اهلش است؛
4. در قیامت زیر سایه‌ی عرش الهی خواهد بود.

#### خوش‏گذرانی در جوانی و توبه در پیری

هر کسی در هر مقطعی باید از این روایات الهام گیرد و استفاده نماید؛ زیرا هر روز با بالا رفتن سن، این درجه تقلیل می‌یابد و این سخن که «جوانی را خوش می‌گذرانیم و در پیری عبادت می‌نماییم.» بسیار خطرناک است؛ زیرا

اولاً هیچ تضمینی برای زنده ماندن تا پیری نیست و یک حادثه انسان را از پا درمی‌آورد و زمین‌گیر می‌نماید؛

ثانیاً حتی اگر به پیری هم رسید، معلوم نیست توفیق عبادت داشته باشد؛

ثالثاً بر فرض که به پیری رسید و در پیری عبادت هم نمود، فضیلتِ عبادت در جوانی کجا و عبادت در پیری کجا؛ لذا توبه در پیری و سنین بالاتر فقط از بار گناه می‌کاهد. این سخنان و احادیث همه نورند و علوم جدید هم بر تارک اینها، مهر تأیید می‌زند.

#### مخاطب روایات

اولین خطاب به کسانی است که در سنین پایین‌تر هستند، زیرا باید این راه را بیابند و احادیث را دست‌مایه‌ی عمر قرار دهند و بعد، خطاب به همه است که اگر بستری برای رشد فرزندمان در طاعت خداوند، فراهم نمودیم، در دنیا و آخرت موجب خوشنودی و سربلندی انسان است؛ زیرا روایات می‌فرمایند:

«فرزند شما و فرزندِ فرزندِ شما تا هر زمان که به عبادت خدا مشغول باشند، چون پایه‏گذار تربیت اینها شما بودید، در همه‌ی اجور و پاداش‌ها بعد از مرگ هم سهیم خواهید بود تا زمانی که در این راه باشند.»

پروردگارا به همه‌ی بندگانت توفیق شناخت عمر و ارزش عمر و به جوانان توفیق شناخت ارزش جوانی را عنایت بفرما.

## سوره‏ی پایانی خطبه‏ی اول

«بسم الله الرحمن الرحیم، وَالْعَصْرِ ﴿١﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾»[[13]](#footnote-13)، «به نام خدا که رحمتش بی‌اندازه است و مهربانی‌اش همیشگی، سوگند به روزگار! (1) که بی تردید انسان غَرقِ در خُسرانِ بزرگ و سنگینی است. (2) مگر آنان که مؤمن‌اند و کارهای شایسته انجام داده‏اند و یکدیگر را به حقّ سفارش داشتند و به شکیبایی [در برابر حوادث، انجام عبادات و ترک گناهان] توصیه کرده‏اند. (3)»

# خطبه دوم

اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»**[[14]](#footnote-14) **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

## **توصیه به تقوا**

بار دیگر همه‏ی شما برادران و خواهرانِ نمازگزار و خودم را در جایگاه بندگی و نماز و در روزِ متعلّقِ به حضرت صاحب الزمانعج، به پارسائی و احتراز از گناه، یاد مرگ، عالم پس از مرگ، ذکر خداوند در همه‏ی حالات و یاد حضرت بقیة الله الأعظمارواحناله‏الفدا سفارش و دعوت می‌کنم؛ امیدواریم که خداوند همه‏ی ما را از مخلصان و مقرّبانِ بارگاه خودش و عاشقان ولایت اهل بیتعلیهم‏السلام و منتظران حضرت بقیة الله الأعظمارواحناله‏الفدا قرار بدهد.

## **ماه محرم**

در آستانه‌ی ماه محرم، ماه خون و قیام، خورشید حماسه و ایثار حسینی در جامعه‌ی ما طلوع خواهد نمود؛ البته یاد و خاطره‌ی شهدای کربلا و سالار شهیدان، اباعبدالله الحسینعلیه‏السلام در قلوب شیعیان، شیفتگان و مشتاقان ایشان، روشن و زنده است؛ زیرا داغ عزای اباعبدالله داغی است که بر دل شیعه تا تاریخ باقی است، باقی خواهد ماند.

ماه محرم برای پیشوایان و ائمهعلیهم‏السلام، بعد از اباعبداللهعلیه‏السلام، یادآور غم‌ها و غصه‌های بزرگ بود و فرارسیدن عاشورا که یادآور سختی‌ها و مرارت‌های جهاد بود، بر دوش ائمهعلیهم‏السلام سنگینی می‌نمود.

#### حفظ اسلام و تشیّع با عاشورا

شیعه از امامان معصومعلیهم‏السلام خود یاد گرفته است که یادِ مظلومیت و شهادتِ حسین و اسارت و مظلومیت حضرت زینب و سجادعلیهماالسلام و اسرای کربلا، یک مکتب بزرگی است که در طول تاریخ، اسلام و تشیّع را حفظ نموده است. محرم و عاشورای حسینی یادآور تاریخ بزرگ حماسه‌ها، شهادت‌ها و جهادها در راه خداست.

گویا همه‏ی ارزش‌های خون، شهادت، جهاد و ایثار در طول تاریخ، در روز عاشورا جمع شده است و شهادت حسینعلیه‏السلام و اصحابش، آیینه‌ی تمام نمایی است که در آن متجلی شده‏اند.

#### آسیب‌شناسی عزاداری

بنابراین محرم و عاشورا، سرمایه‌ی عظیم و بزرگی است که باید به آن توجه داشته باشیم؛ لکن باکمال تأسف و تأثر، شهادت، عاشورا و محرم که باید

1. مکتب سازنده‌ی انسان باشد؛
2. در دل این کوثر بزرگ الهی، نسل جوان خودش را بشوید؛
3. ملهم و الهام‌بخش سازندگی روحی، حماسه و شورونشاط نسل جوان باشد؛

ابزاری برای اختلافات، اوهام و خرافات می‌شود؛ این غم بزرگی است که هر انسان عاقل و دلسوزی را تا مغز استخوان می‌سوزاند. حسینیه‌ها و عزاداری‌های ما کجا و آن همه حماسه، معنویت و عرفان متجلی شده در عاشورا کجا؟!

وای بر ما! ما شیعه هستیم با این دست‌مایه بزرگ جهاد، حماسه و عاشورایی که پیر و جوان و زن و مرد در کنار مولای خود به اوج عرفان و دلدادگی رسیدند؛ درحالی‌که این سرمایه‏ی عظیم را در حدّ اوهام، خیالات و رقابت‌های شیطانی و محله‌ای پایین آورده‌ایم.

#### مسئولیت سنگین جوانان و متولیان عزاداری

عزیزانی که در عزاداری سهم دارید (اجرتان با اباعبداللهعلیه‏السلام است و بسیار هم ارزشمند است؛ زیرا مشعل عزاداری به دست شما روشن مانده است.) مراقب باشید، رقابت بیجا و خیالات بی‌معنا شما را فریب ندهد.

باید، نسلِ جوانِ بیدار و هوشیار و مردمِ فهمیده درصحنه باشند و نگذارند افرادی که دنبال مسائل دیگری هستند، رخنه کنند؛ البته تعدادشان کم است، ولی نباید همان‌قدر هم باشد و عزاداری دهه‌ی عاشورا باید

1. ما را به اوج اهداف امام حسینعلیه‏السلام نائل نماید؛
2. تحولی در جامعه و نسل جوان ایجاد نماید؛
3. جایگاه نسل جوان و مردم باشد؛
4. نور هدایت و حماسه‌ی حسینی بر قلوب و دل‌ها بتاباند؛
5. دعوا و رقابت بیجا درون آن راه نیابد.
6. کاخ استبداد را بلرزاند.

#### مذاکره برای حلّ مشکلات هیئت و مسجد

دشمنان خونی و جانی، مشکلات خود را با مذاکره حل می‌نمایند؛ ولی اگر ما به خاطر یک وهم و خیال حاضر به مذاکره نباشیم، خلاف مقتضای عقل است؛ این در همه‌ی امور هست و عزای حسینعلیه‏السلام جای خود دارد؛ زیرا ایشان به شهادت رسیدند تا

1. ما هدایت شویم؛
2. در طول تاریخ مشعلی برای انسان‏ها باشد؛
3. انسان‌ها خود را بسازند.

بنابراین ما نباید تابلوی زیبای شهادت و ایثار را با کج‌فهمی و رقابت‌های غیر صحیح خود، مخدوش نماییم و زیبایی آن را از بین ببریم.

اگر شخصی که اسلام و تشیع را قبول ندارد، در حسینیه و مسجد این موهومات و خرافات را ببیند، دیگر به او نمی‌شود گفت، تشیّع مکتبِ پرافتخارِ تاریخی است و نسل جوان هم وقتی این اعمال و رفتار را می‌بیند، بدبین می‌شود.

نکاتِ بسیاری وجود دارد ولی روح قضیه این است که باید یک نگاه به خود و عزاداری ائمهعلیهم‏السلام بنماییم و نردبان معرفت و معراج شهادت را با آلودگی‌های نفسانی آلوده ننماییم؛ رشد و هوشیاری ما در گوشه و کنار شهر باید جلوی هرگونه فتنه و اختلافی را بگیرد.

بنده واقعاً نسبت به همه‌ی عزیزانی که عزاداری‌های اباعبداللهعلیه‏السلام را روشن می‌نمایند، علاقه‌مند و ارادتمند هستم؛ زیرا این کار خیلی ارزشمند است و نیت خیر و عشق به سالار شهدا در غالب افراد، آنها را به اهتمام و جدیت در این کار وا‌می‌دارد و نباید ذرّه‌ای از این همّت، اهتمام و جدیت کم شود؛ اما

1. درست و با توجه به اهداف ابی‌عبداللهعلیه‏السلام؛
2. با شناخت موقعیت این ملّت و کشور در دنیای ستم زده‌ی امروز؛
3. با دست برداشتن از کارهایی که درخور شأن عزاداری اباعبدالله نیست؛
4. با رعایت اخلاق اسلامی؛
5. حرکت با فکر و برنامه‏ریزی؛
6. حسینیه نباید مزاحم نماز و بندگی خدا شود؛
7. نسل جوان را آگاه نماید؛
8. در کنار نوحه و مدیحه‌سرایی دقایقی به آگاهی نسل جوان و معارف اسلامی بپردازید.

افرادی هستند که در طول سال فرصت ندارند و باید از فرصت عزاداری استفاده شود و این هدف عزاداری و تکایاست.

سالگرد حمله‌ی آمریکا به طبس و شهادت مرحوم منظر القائم هم هست که یاد و خاطره‏ی ایشان را گرامی می‏داریم.

## دعای پایانی

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَ بُعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَ صِدْقَ النِّيَّةِ اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنينَ و َالْمُؤْمِناتِ و َالْمُسْلِمينَ وَ الْمُسْلِماتِ الْاَحْيآءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْواتِ

خدایا گام‌های ما را در راه خودت استوار بدار.

ما را از بندگان مطیع خودت قرار بده.

این ملت و امت اسلام را رستگار و پیروز فرما.

خطرات را از نسلِ جوان، جامعه و امت اسلام دور فرما.

سلام‌های خالصانه‏ی ما را به محضر حضرت بقیۀ الله الاعظمعج ابلاغ فرما.

ارواح طیبه‏ی شهداء و روح مطهر امام را با اولیای خودت محشور فرما.

جانبازان، مریضان و مریضانِ مورد نظر را شفا عنایت فرما.

بر فرجِ حضرت بقیۀ الله تعجیل فرما.

خدمت گذاران به نظام و مقام معظم رهبری را در پناه خودت محافظت فرما.

## سوره‏ی پایان خطبه‏ی دوم

«بسم الله الرحمن الرحیم، قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾»[[15]](#footnote-15)، «به نام خدا که رحمتش بی‌اندازه است و مهربانی‌اش همیشگی

بگو: حقیقت این است که خداوند، یگانه‏ی بی‌همتاست (1) خداوندی که [از همه‏ی موجودات] بی‌نیاز [و مرجع و ملجأ همه‏ی نیازمندان جهانِ هستی] است (2) چیزی را نزاده و زاییده نشده است (3) و اَحدی [در ذات و صفات و افعال]، همتا و مساوی او نبوده است (4)»

1. . اعراف (7): 43. [↑](#footnote-ref-1)
2. . آل‌عمران (3): 102. [↑](#footnote-ref-2)
3. . سند یافت نشد. [↑](#footnote-ref-3)
4. . روم (30): 54. [↑](#footnote-ref-4)
5. . امالی شیخ طوسی، ص 302 [↑](#footnote-ref-5)
6. . کنزالعمال، ج 4، ص 209 [↑](#footnote-ref-6)
7. . کنزالعمال، ج 4، ص 217 [↑](#footnote-ref-7)
8. . کنزالعمال، ج15، ص 776 [↑](#footnote-ref-8)
9. . همان [↑](#footnote-ref-9)
10. . همان [↑](#footnote-ref-10)
11. . کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج 3، كتاب الطهارة.‏ [↑](#footnote-ref-11)
12. . امالی طوسی، ص 535 [↑](#footnote-ref-12)
13. . عصر (103): کل سوره. [↑](#footnote-ref-13)
14. . آل‌عمران (3): 102. [↑](#footnote-ref-14)
15. . اخلاص (112): کل سوره. [↑](#footnote-ref-15)